**(3) دین باید سبب الفت و محبت باشد**

* دين اللّه و مذهب اللّه محض اتّحاد و اتفاق اهل عالم از سمآء مشيّت مالک قدم نازل گشته و ظاهر شده آنرا علّت اختلاف و نفاق مکنيد سبب اعظم و علّت کبری از برای ظهور و اشراق نيّر اتّحاد دين الهی و شريعه ربّانی بوده و نموّ عالم و تربيت امم و اطمينان عباد و راحت من فی البلاد از اصول و احکام الهی اوست سبب اعظم از برای اين عطيّه کبری کأس زندگانی بخشد و حيات باقيه عطا فرمايد و نعمت سرمديّه مبذول دارد (حضرت بهاءالله، اشراقات، اشراق نهم)
* اليوم دين الله و مذهب الله آنکه مذاهب مختلفه و سبل متعدّده را سبب و علّت بغضا ننمايند. اين اصول و قوانين و راههای محکم متين از مطلع واحد ظاهر و از مشرق واحد مشرق و اين اختلافات نظر بمصالح وقت و زمان و قرون و اعصار بوده

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 176)

* اديان الهيّه بجهت محبّت بين بشر نازل شده بجهت الفت نازل شده بجهت وحدت عالم انسانی نازل شده ولی افسوس که صاحبان اديان نور را بظلمت مخلوط کرده اند هر يک هر پيغمبری را ضدّ ديگری ميشمارند (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 61)
* اديان الهی بايد سبب الفت و محبّت بين بشر شود زيرا اساس اديان الهی محبّت است. کتب مقدّسه را مطالعه کنيد که اساس دين الهی محبّت است. هر چند قوای ديگر هم ممکن است سبب الفت گردد لکن هيچ چيز مثل دين سبب الفت نميشود (حضرت عبدالبهاء، پیام ملکوت ص 69)
* شريعت اللّه يکی است و دين اللّه يکی و آن الفت و محبت است

(حضرت عبدالبهاء، خطابات ص 18)

* اساس اديان الهيه يکی است حقيقت ربوبيت محبت است (حضرت عبدالبهاء، خطابات ص 20)
* دين الهی است دين الهی روح عالم امکانست امکان باو نورانيست

(حضرت عبدالبهاء، خطابات ص 18)

* دين اساس الفت و محبت است و بنيان ارتباط و وحدت \* دين اگر سبب عداوت گردد الفت نبخشد بلکه مورث کلفت گردد و عدم دين به از وجود آنست و تجرد از دين مرجح بر آن

(حضرت عبدالبهاء، خطابات ص 31)

****